



## دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) پیرامون نهضت حسینی و انعکاس آن بر نگاره‌های اسلامی

مصطفی حامدنژاد<sup>۱</sup>، مریم بختیار<sup>۲</sup>، علی یارحسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. mostafa.hamehnejad@yahoo.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. bakhtyarmaryam@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه تصوف و عرفان اسلامی، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران. hoseini.mis@gmail.com

### چکیده

امام خمینی (ره) دیدگاه بلندی را به حادثه عاشورا داشت و معتقد بود که خط سرخ شیعه که همان اسلام ناب محمدی (ص) است و در پرتو نهضت عاشورا، آزادی‌خواهی، ذلت‌ستیزی و شهادت‌طلبی که لازمه مبارزه با دستگاه جور است، پر رنگ‌تر و هموارتر است. قیام سیدالشهدا، قیام برای خدا بود. مسئولیت‌پذیری، صبر و استقامت در راه خدا بود. همچنین، در فلسفه نهضت عاشورا بازگرداندن جامعه به سنت و سیره پیامبر (ص) و حفظ و احیای شریعت و اقامه عدل و معروف و رفع منکر و تشکیل حکومت اسلامی، شهادت، انجام اصلاحات بنیادی، ادای تکلیف بود. رویداد بزرگ عاشورا در بسیاری از آثار هنری نیز باتاب یافته‌است. در این میان، انعکاس این مضمون در نگارگری قابل‌تأمل است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که از دیدگاه امام خمینی (ره) اگر نهضت امام حسین (ع) نبود یزید و اتباع او اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. ماه محرم ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. امام خمینی (ره) نیز در موارد متعدد از هدف الهی امام حسین (ع) در این نهضت یعنی رضا و خوشنودی خداوند با تعبیرهای گوناگون یاد می‌کند و از نظر ایشان اهداف نهایی نهضت عبارت‌اند از: حفظ اسلام، قیام برای خدا، اقامه نماز، رضایت الهی، اقامه حق و عدل می‌باشد. از سوی دیگر، مضمون عاشورا و جزئیات این رویداد یکی از مهم‌ترین مضامین به‌کاربرده شده در نگارگری اسلامی بوده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) پیرامون نهضت حسینی.
۲. بررسی انعکاس دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) و عاشورا بر نگاره‌های اسلامی.

### سؤالات پژوهش:

۱. دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) پیرامون نهضت حسینی چگونه است؟
۲. دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) و عاشورا چه بازتابی در نگاره‌های اسلامی یافته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۲۳۵ الی ۲۵۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۵/۰۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

### کلمات کلیدی

عاشورا، امام خمینی (ره)، کربلا، دیدگاه عرفانی، نگاره‌های اسلامی.

### ارجاع به این مقاله

حامد نژاد، مصطفی، بختیار، مریم، حسینی، علی یار. (۱۴۰۱). دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) پیرامون نهضت حسینی و انعکاس آن بر نگاره‌های اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۲۳۵-۲۵۲.

 [dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.21.1](https://dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.21.1)

 [dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.304458.1722](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.304458.1722)

## مقدمه

امام خمینی (ره) به‌عنوان یک عالم و مرجع بزرگ اسلامی، و یک رهبر محبوب مردمی در طول سال‌های حیات خود همواره توجه خاصی به قیام کربلا داشته است. او علاوه بر برپایی سنت عزاداری اباعبدالله، بارها در کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و پیام‌های خود به تشریح فلسفه واقعی قیام امام حسین (ع) پرداخته و مردم را به زنده نگه‌داشتن این سنت مذهبی و شیعی تشویق و ترغیب کرده است. در اینکه نهضت امام حسین (علیه‌السلام) آگاهانه و با تدبیر صورت گرفته و بر احساسات مبتنی نبوده است، براساس منابع تاریخی، هیچ‌جای شک و تردیدی وجود ندارد.

یکی از اهداف قیام امام حسین (علیه‌السلام) احیای اصل «امر به معروف و نهی از منکر» است. اصل «امر به معروف و نهی از منکر» چنان مهم است که اگر در یک جامعه درست اعمال شود، بسیاری از نابسامانی‌ها، سامان پیدا کرده و بسیاری از انحرافات و کج‌روی‌ها، درست خواهند شد. امام باقر (علیه‌السلام) درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتَرُدُّ الْمِظَالِمَ وَتَعْمُرُ الْأَرْضَ وَيَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» امر به معروف و نهی از منکر شیوه انبیا و روش صالحان است؛ واجب مهمی است که سایر واجبات به موجب آن برپا می‌شوند و راه‌ها با آن امن و امان می‌گردند و خرید و فروش حلال می‌شوند و ستم‌ها بر طرف می‌گرداند و زمین آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و امور روبه راه می‌گرداند (حر عاملی، بی تا: ۱۱۹/۱۶). همچنان که از این حدیث شریف استفاده می‌شود، اصل «امر به معروف و نهی از منکر» دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. به بیان دیگر، از نظر اسلام، جامعه یک تشکّل نظام‌مندی است که دارای اجزای متعدد مانند جزء سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. این جامعه در صورتی کارآیی لازم را دارد که اجزای آن وظایف، نقش‌ها و کارکردهای لازم خود را به خوبی ایفا کنند و بخصوص جزیی که از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است، در کار خود کوتاهی نکند (فرهنگ عاشورایی، ۱۳۸۲: ۵۷/۸).

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است اما محققانی در آثار خود به بررسی بازتاب حماسه حسینی بر نقاشی و نگارگری پرداخته‌اند. عبدالهی و سمیعی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان: «بازتاب واقعه عاشورا در دیوارنگاره‌های بقعه آقاسید حسین لنگرود به بررسی این مضمون در نقاشی دیواری قاجار پرداخته‌اند. افشاری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان: «بازتاب عاشورا در هنرهای محیطی پرداخته است. با این حال، در آثار مذکور این مضمون با بررسی دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) نسبت به حماسه عاشورا بررسی نشده است لذا در مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به این موضوع پرداخته شده است.

## ۱. دیدگاه امام خمینی(ره) درباره نهضت حسینی

امام حسین علیه السلام، عاشورا، کربلا و محرم در کلام امام خمینی(ره) قدس سره جایگاه ویژه‌ای دارد. امام قدس سره نظرگاه بلندی را به حادثه عاشورا افکنده‌اند. امام خمینی قدس سره قیام خود را برگرفته از قیام سید الشهداء معرفی می‌کنند و به آن افتخار می‌کند. از آن حضرت درس شجاعت، شهادت، عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و دفاع از مکتب را فراگیریم. شرایط جامعه خود و حاکمان بر سرنوشت مسلمانان را همانند شرایط جامعه امام حسین علیه السلام و حاکم غاصب آن می‌داند و در تحلیلی شفاف و قابل فهم برای همگان، قیام خود را مستند به قیام امام حسین علیه السلام می‌نماید و منطق راحت‌طلبان بی‌درد، سازشگران دنیاطلب و تماشاچیان توجیه گر را با استدلال به شیوه و سیره زندگی امام حسین علیه السلام مردود می‌شمارد. این بدان جهت است که خط سرخ شیعه که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است، در کربلا برجسته‌تر می‌شود. در پرتو نهضت عاشورا آزادی‌خواهی، ذلت ستیزی و شهادت‌طلبی، که لازمه مبارزه با دستگاه جور است، پررنگ‌تر و بسیج ارادتمندان خاندان عصمت و ولایت هموارتر است (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۳۲۴/۴).

## ۱.۲. امر به معروف و نهی از منکر

اسلام به عنوان دین کامل، جامع و مانع در این باره سازوکار مهمی دارد و آن عبارت است از: اصل «امر به معروف و نهی از منکر»؛ یعنی در صورت وجود انحراف و کج‌روی و نابسامانی در جامعه، برای مقابله با آن، از این سازوکار استفاده می‌شود. امام حسین(علیه السلام) اوج انحراف‌ها و نابسامانی‌ها و پایمال شدن حق در تمام ابعاد و به خصوص در بُعد سیاسی را در حاکمیت یزیدبن معاویه می‌بیند؛ می‌فرماید: «ان الدنيا قد تَغیَّرت و تنکرت و ادبرَ معروفها و استمرت حذاء و لم تبق منها الا صباية كصباية الاناء و خسیس عیش کالمرعی الوبیلِ اَلَا ترونَ اَنَّ الحقَّ لا یعملُ به و اَنَّ الباطل لا یتنهَی عنه؟» کار ما بدین جا کشیده شده است که می‌بینید: دنیا دگرگون شده و بسیار زشت و ناپسند گردیده است؛ نیکی‌های دنیا به عقب می‌روند و همچنان با شتاب رو به زوالند؛ از نیکی‌ها چیزی باقی نمانده، جز ته‌مانده‌هایی همانند ته مانده آب‌شخورها؛ پستی‌های زندگی همانند چراگاه زبان‌بخش و بیمارکننده‌اند. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد. در جای دیگر، امام می‌فرماید: «اَلَا ترونَ اَنَّ الحقَّ لا یعملُ به و الباطل لا یتنهَی عنه لیرغب المؤمنُ فی لقاءِ اللّهِ مُحَقَّقًا؟» آیا نمی‌بینید که به حق رفتار نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود؛ پس مؤمن در چنین اوضاعی باید به شهادت در راه خدا تن بدهد (دشتی، ۱۳۹۰: ۷ و ۲۴۱).

امام خمینی (ره) بر این عقیده است که یکی از اهداف امام حسین(ع) از این نهضت احیای امر به معروف و نهی از منکر است. امام حسین (ع) قیام کرد با عدد کم در مقابل این؛ برای این بود که گفتند تکلیف من است که استکبار (نهی از منکر) کنم. ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. در صدر اسلام پس از رحلت پیامبر(ص) - پایه‌گذار عدالت و آزادی - می‌رفت که با کج‌روی‌های بنی‌امیه اسلام در حلقوم



ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی‌امیه را محکوم و پایه های آن را فرو ریخت.

از این فرمایش‌های امام معلوم می‌شود که از وضعیت موجود دلش خون بود. به همین دلیل، فریاد امام بلند بود که حق از همه جا رخت بر بسته و باطل در همه جا حاکم شده است. در این شرایط، راه کار چیست؟ برای حاکمیت حق و براندازی باطل چه راه حلی می‌توان ارائه کرد؟ امام حسین (علیه‌السلام) اصل «امر به معروف و نهی از منکر» را به عنوان بهترین سازوکار و راه حل مطرح می‌کند. از نظر ایشان، در چنان شرایطی، اصل امر به معروف و نهی از منکر مرده بود و کسی مطابق معروف عمل نمی‌کرد و از منکرات دوری نمی‌جست. امام می‌خواست این اصل را زنده کند، اگرچه در راه احیای آن شهید شود و اهل و عیالش نیز به اسارت بروند. همه این کارها بشود، ولی این اصل زنده گردد. هدف او از این نهضت احیای این اصل بود. به همین دلیل، امام به صورت صریح احیای این اصل را به عنوان یک هدف رسمی در نهضت خود اعلام می‌کند: «أريدُ أن أمرَ بالمعروفِ و أنهيَ عَنِ المُنكرِ» تصمیم گرفتم که امر به معروف و نهی از منکر کنم (مجلسی، ۱۳۶۸: ۳۲۸/۴۴).

امام خمینی (رحمة‌الله) نیز بر این عقیده است که یکی اهداف امام حسین (علیه‌السلام) از این نهضت، احیای «امر به معروف و نهی از منکر» است؛ چنان که می‌فرماید: «اینکه حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این بود که گفتند: تکلیف من است که استنکار (نهی از منکر) کنم» (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۵). لازم به یادآوری است که امر به معروف و نهی از منکر دارای مراحل است که در اینجا دو مرحله آن، که بیشتر به بحث حاضر مربوط می‌شوند، یادآوری می‌شود:

۱. اگر قوانین اسلامی حاکم باشند، ولی شخص حاکم از نظر اخلاقی و اعتقادی فاسد و منحرف باشد، در این صورت، باید اصلاح و نهی از منکر از طریق زبان صورت بگیرد.

۲. اگر قوانین حکومت نیز به نحوی از اسلام عدول کنند و حاکم نیز فاسق باشد، چنان که در زمان یزید این گونه بود، در این صورت، امر به معروف و نهی از منکر در شکل و قالب «جهاد» و خروج علیه حکومت جائر متبلور می‌شود. به بیان دیگر، در این صورت از باب تکلیف و وظیفه شرعی باید وارد عمل شد، چه کار به نتیجه برسد و یا نرسد. امام حسین (علیه‌السلام) در نهضت خود از هر دو نوع آن استفاده کرد: هم با زبان آن‌ها را موعظه کرد و پس از آنکه فهمید این مرحله کارایی ندارد، وارد مرحله دوم شد؛ یعنی جنگ و جهاد. (مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶؛ ۲۲۸).

امام حسین (علیه‌السلام) در این امر، همان سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و روش پدر بزرگوارش علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بود. روشن است که حرکت امام حسین (علیه‌السلام) در امتداد خط اصلاح‌طلبی در فرمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بوده است. امام (علیه‌السلام) به صراحت به این هدف در نهضت

خود پرداخته می‌فرمایند: «ولکن لنرى المعالم من دینک، و نظهر الاصلاح فى بلادک و یامن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سننک و احکامک»؛ بلکه (این نهضت) به علت آن است که نشانه‌های دین تو را به مردم بنمایانم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت‌های تعطیل شده تو دوباره اجرا گردند». در جای دیگر، امام می‌فرماید: «اننى لم اخرج أشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظلما و إنما خرجت لطلب الإصلاح فى أمة جدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) أريد أن أمر بالمعروف و انهى عن المنکر و أسیر بسیره جدی و ابی‌علی بن ابی‌طالب»؛ من نه از روی خودخواهی و یا برای خوش‌گذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می‌گردم، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و خواسته‌ام از این حرکت، اصلاح مفسد امت جدّم و زنده کردن سنت و قانون او و راه و رسم پدرم، علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) است (نجمی، ۱۴۰۰: ۳۶۵ و ۳۶۶).

امام حسین(ع) در یکی از خطبه‌هایش می‌فرماید: «يا أيها الناس إن رسول الله قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناكثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالإثم و العدوان فلم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقا على الله أن يدخله مدخله. ألا و إن هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان و تركوا طاعة الرحمن و أظهروا الفساد و عطّلوا الحدود و استأثروا بالفى و أحلّوا حرام الله و حرّموا حلاله، و أنا أحقّ من غيره»؛ هان ای مردم! همانا رسول خدا فرمود: هر کس فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می‌کند، در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار می‌نماید و او با کردار و گفتار خود بر او قیام نکند، بر خداست که او را در جایگاه (پست و عذاب‌آور) آن ستمگر درآورد. بدانید اینان به پیروی از شیطان ملزم گردیده‌اند، اطاعت خدای رحمان را ترک گفته‌اند، تباهی‌ها را آشکار ساخته‌اند، حدود خداوند را تعطیل کرده‌اند، بیت‌المال را در انحصار خود درآورده‌اند، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند، و من از هر کس دیگری سزاوارترم که بر اینان شوریده، در برابرشان بایستم (مجلسی، پیشین، ۴۴ / ۳۸۲).

## ۲. ابعاد گوناگون نهضت عاشورا و بازتاب آن در نگارگری اسلامی

در کلام بلند امام خمینی، عاشورا از اهداف گونه‌گون و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است که کثرت هدف‌ها و ابعاد گونه‌گون آن، کاملاً با ابعاد وجودی حسینی ارتباط عمیقی یافته است. در کلام امام جهات مختلف عاطفی، سیاسی و مکتبی عاشورا پیوند خورده و به میزان اهمیت و جایگاه هر یک توجه شده و دردمندان کسانی که گرفتار تفسیرها و برداشت‌های یک بُعدی شده‌اند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. «باید آن بُعد سیاسی کربلا را برای مردم بیان کرد. سیدالشهدا به حسب روایات ما و به حسب عقاید ما از آن وقتی که از مدینه حرکت کرد می‌دانست که چی دارد می‌کند، می‌دانست شهید می‌شود، قبل از تولد او اطلاع داده بودند به حسب روایات ما. وقتی آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می‌روند ایشان از مکه خارج بشود. این یک

حرکت سیاسی بود، تمام حرکاتش حرکات سیاسی بود، اسلامی سیاسی، و این حرکت اسلام سیاسی بود که بنی‌امیه را از بین برد، اگر این حرکت نبود اسلام پایمال شده بود» (همان، ۱۷۷/۱۸).

## ۲/۱. اهداف سیاسی و اجتماعی

الف. احیای اندیشه امامت: مطابق نگرش قرآن کریم، خلافت انتصابی است؛ یعنی خداوند تبارک و تعالی کسی را برای خلافت پس از پیامبر اکرم تعیین کرده و به حضرت محمد دستور داده است تا این را در روز هجدهم ذی‌الحجه در محلی به نام «غدیر خم» به مردم، که از بسیاری از نقاط شهرهای مسلمان‌نشین برای انجام مراسم حج گردهم آمده بودند، ابلاغ کند: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (مائده: ۶۷) ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد. و با ابلاغ آن، این دین کمال یافت: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (مائده: ۳) امروز دین خود را بر شما تمام کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم (مائده: ۳).

این نگرش پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جریان تجمع عده‌ای در محل «سقیفه بنی‌ساعده» برای اولین بار، به انحراف کشانده شد؛ زیرا در این گردهمایی، مسئله «انتصاب»، که یک دستور قرآنی بود، به مسئله «انتخاب» و قوم‌گرایی، که یک روش اجتماعی به حساب می‌آید، بدون در نظر داشت دستورات قرآنی تبدیل شد. حضرت علی (علیه‌السلام) برای آنکه این درخت نو به ثمر نشسته اسلام از ریشه خشک و جامعه اسلامی در برابر دشمنان خارجی تضعیف نشود و مردم دچار تفرقه و چنددستگی نگردد، خار در چشم و استخوان در گلو، این وضعیت را تحمل کرد و در برابر این جریان انحرافی، از خود واکنشی نشان نداد. این انحراف در طول دوره خلافت سه خلیفه اول، روزبه‌روز دامنه وسیع‌تری پیدا کرد تا آن‌گاه که حضرت علی (علیه‌السلام) با اصرار زیاد مردم حکومت را به‌دست گرفت. حضرت علی (علیه‌السلام) در طول حاکمیت خود، می‌خواست جامعه وارونه شده اسلام را به حالت اول درآورد و مسیر انحرافی را از میان بردارد و جامعه را به صراط‌المستقیم هدایت کند که متأسفانه نتوانست؛ زیرا طی این مدت، چندین جنگ بر حضرت تحمیل شد و درنهایت، به شهادت رسید.

## ۲/۲. بدعت‌زدایی

یکی از اهداف امام حسین (علیه‌السلام) از نهضت بزرگ عاشورایی این است که با این بدعت که معاویه آن را ایجاد کرده بود - یعنی نادیده گرفتن امامت امام حسین (علیه‌السلام) و موروثی و سلطنتی کردن خلافت - مبارزه کند. او کسی را بر مقدرات مردم حاکم کرده بود که هیچ‌گونه صلاحیتی برای این امر نداشت. (شیخ رازی آل‌یاسین، ۱۳۶۵: ۱۱/۲۵۵). امام خمینی (رحمة‌الله) در جای دیگر می‌فرماید: «سیدالشهداء با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آن‌ها را به شکست رساند و اندکی که گذشت مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شده و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه شد.» از این بیان امام خمینی (رحمة‌الله) چنین استفاده می‌شود که انقلاب امام

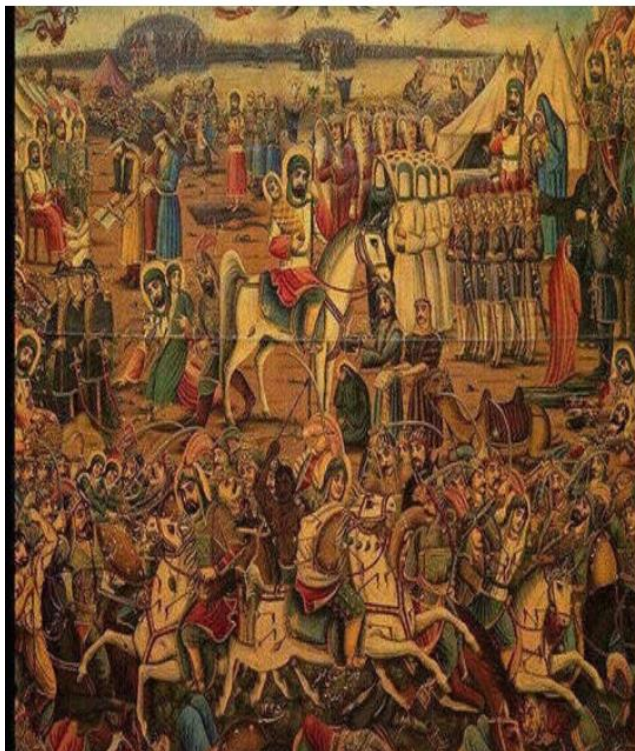
در بدعت‌زدایی موفقیت‌آمیز بوده است؛ زیرا از نظر امام، انقلاب امام حسین (علیه‌السلام) موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه و سست‌شدن پایه‌های بدعت شد.

باتوجه به آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که در اسلام استوانه‌های دومین بدعت توسط معاویه پایه‌گذاری شدند. اکنون سؤال این است که چه کسی باید بدعت‌زدایی کند؟ و چه کسی شایستگی آن را دارد که ریشه‌های بدعت را بخشکاند و دیگر باره سنت رسول خدا را حاکم سازد؟ امام حسین (علیه‌السلام) خود را شایسته این کار می‌داند و بدین‌روی تصمیم گرفت این پدیده شوم را از صفحه روزگار حذف کند، اگرچه در راه دست‌یابی به این هدف، هزینه بسیار کند و یا حتی شهید شود؛ چنانکه می‌فرماید: «وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سَنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السَّنَةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ أَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ وَ إِن تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (امام خمینی، پیشین، ۱۱۷/ ۵۸ و ۵۹). همچنین از بیانات امام حسین (علیه‌السلام) استفاده می‌شود که بدعت‌زدایی از اهداف میان مدت ایشان به حساب می‌آید؛ زیرا امام با ریشه کردن درخت بدعت، مبارزه خود را تمام شده فرض نمی‌کند، بلکه آن را ادامه می‌دهد تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد. (طبری، ۱۳۵۹: ۱۷/ ۲۴۰؛ فرهنگ عاشورایی، ۱۳۸۲: ۱۰/ ۱۴۹).

از مجموع فرمایش‌های امام حسین (علیه‌السلام) استفاده می‌شود که ایشان خود را شایسته‌ترین و جامع‌ترین فرد برای رهبری می‌دانسته و آمادگی خود را برای تشکیل حکومت اعلام کرده است. علاوه بر این، از فرمایش‌های امام حسین (علیه‌السلام) استفاده می‌شود که یکی از اهداف امام تشکیل حکومت بوده است.

بسیاری از صاحب‌نظران نیز بر همین عقیده‌اند؛ از جمله حضرت امام خمینی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «آن‌هایی که خیال می‌کنند که حضرت سیدالشهداء برای حکومت نیامد، خیر این‌ها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت در دست مثل سیدالشهداء باشد؛ مثل کسانی که شیعه سیدالشهداء هستند. او مسلم بن عقیل را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت، تا حکومت اسلامی تشکیل دهد و این حکومت فاسد را از بین ببرد». همچنین اینکه گفته شد هدف امام تشکیل حکومت بود، لزوماً به این معنا نیست که امام در این حرکت بتواند حکومت تشکیل دهد، بلکه منظور این است که امام یا در شرایط فعلی حکومت تشکیل بدهد و یا اگر نتوانست، در بلندمدت زمینه تشکیل یک حکومت را فراهم کند. امام خمینی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «آن حضرت در فکر اسلام و مسلمین بود، به‌خاطر اینکه اسلام در آینده و در نتیجه جهاد مقدّس و فداکاری او در میان انسان‌ها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعه ما برقرار شود، مخالفت نمود، مبارزه کرد و فداکاری» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۹۰/۲)





تصویر ۱: میدان مبارزه عاشورا، قوللر آغاسی. دوره قاجار.

### ۲.۳. رضایت الهی

یکی از اهداف بسیار مهم امام حسین (علیه‌السلام)، رضایت و خشنودی خداوند تبارک و تعالی بود؛ امام قطع نظر از همه اهداف دیگر، و با توجه به انحرافی که در سطح کلان در احکام و قوانین اسلامی پدید آمده بود و جامعه اسلامی از راه درست و مستقیم به بی‌راهه کشیده شده بود، رضایت خداوند را در این می‌دانست که یک نهضت عظیم و بزرگ راه بیندازد. به بیان دیگر، امام وظیفه خود می‌دانست که در وضعیت موجود و شرایط حاکم دست به اقدامی بزند که رضایت و خشنودی خداوند تبارک و تعالی در آن قرار دارد. امام حسین (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «لا محیصَ عَنِ یَوْمِ خُطِّ بِالْقَلَمِ رِضَا لَللّٰهِ رِضَانَا اَهْلُ الْبیتِ؛ از پیش آمدی که با قلم قضا مقرر شده، راه‌گزینی نیست. بر آنچه خداوند خوشنود شود ما نیز راضی هستیم» (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۱۶۱). در تصویر شماره ۲ که از نگارگری‌های دوره معاصر است مفهوم شهادت، ایثار ترسیم شده است.





تصویر ۲: واقعه عاشورا. اثر استاد محمود فرشچیان. دوره معاصر.

#### ۲/۴. فلسفه نهضت عاشورا

در خصوص فلسفه نهضت و قیام عاشورا کلام امام راحل قدس سره بسیار غنی است. ابعاد مختلف اهداف نهضت عاشورا مورد توجه ایشان قرار گرفته است. از آن جهت که اندیشمندان و محققین در تاریخ ائمه علیه السلام، در این رابطه آراء مختلفی ارائه کرده‌اند، سخنان امام قدس سره به عنوان متفکر و اسلام‌شناس ژرف‌اندیش و رهبر بزرگ‌ترین انقلاب اسلامی در قرن بیستم که بیشترین تأثیر را بر تحولات قرن بیست و یکم نهاده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امام خمینی قدس سره، اهداف مختلفی برای قیام امام حسین علیه السلام بیان کرده‌اند که در این جا لازم است یادآور شویم که همه این‌ها، چون در طول یکدیگرند یا به عبارت دیگر، تعبیر مختلفی از بیان یک حقیقت هستند، نه تنها با هم منافاتی ندارند، بلکه مکمل هم هستند، به طوری که اگر یکی از آن‌ها از گردونه خارج شود، در هدف خلل ایجاد خواهد شد و به همان نسبت، ناقص خواهد گردید (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۲/۲۱).

#### ۲/۵. بازگرداندن جامعه به سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

به دلیل انحراف جامعه اسلامی از سنت و سیره نبوی، در دوره حاکمیت یزید، امام حسین علیه السلام تلاش اصلی و محوری خود را بازگرداندن جامعه به سنت و سیره نبوی معرفی می‌کند. «از حضرت سید الشهداء علیه السلام خطبه‌ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت ذکر فرموده‌اند و آن این است که فرموده‌اند خطاب به مردم که پیامبر اکرم فرموده است: کسی که ببیند یک سلطان جائری حلال می‌شمرد حرمت الله را - چیزهایی را که خداوند حرام کرده است... و مع ذلک ساکت شد و تغییر نداد با قول خودش، با عمل خودش، این انحرافی که سلطان جائر پیدا کرده است... حتم است بر خدای تبارک و تعالی که جای او را هم جای همان سلطان جائر در آخرت قرار بدهد» (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۹۱/۵).

**۲/۶. حفظ و احیای شریعت**

در طول هدف پیشین، احیای شریعت اسلامی و حفظ مکتب از دستبرد و تجاوز معاندان، از جمله هدف‌های والای حسینی است. «خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند این نبود که غضب خلافت کردند، این یک خطر، کم‌تر از آن بود، خطری که این‌ها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می‌خواستند بیاورند. می‌خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه «ما خلیفه رسول‌الله هستیم»، اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می‌خواستند بزنند یا زدند جلوتری‌ها آن طور نزدند. این‌ها اصل اسلام را وارونه می‌خواستند بکنند. سلطنت بود، شرب خمر بود، قمار بود در مجلس‌شان. «خلیفه‌ی رسول‌الله» و در مجلس شرب خمر؟! و در مجلس قمار؟! و باز خلیفه رسول‌الله نماز هم می‌رود در جماعت می‌خواند! این خطر برای اسلام خطری بزرگ بود. این خطر را سیدالشهدا رفع کرد (همان، ۸ / ۹). سیدالشهدا در این راه جان خود را فدا می‌کند، پیغمبر هم فدای اسلام شد. سیدالشهدا هم فدای اسلامی شد. اسلام بزرگ‌ترین چیزی است که ودیعه خداست در میان بشر.

**۲.۷. اقامه عدل و معروف و رفع منکر**

«سیدالشهدا علیه‌السلام از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود. فرمودند که می‌بینید که معروف، عمل بهش نمی‌شود و منکر، بهش عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد. انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هرچه هست منکرات است. این‌ها باید از بین بروند» (همان، ۸ / ۹).

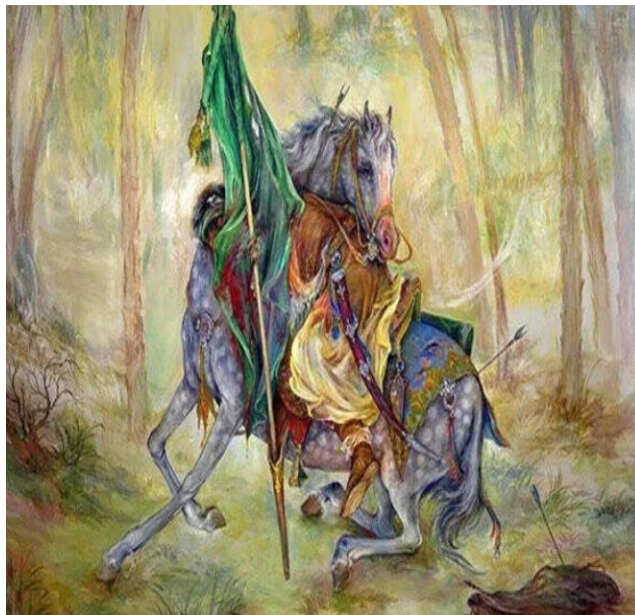
**۲/۷. نقش عقیده در قیام کربلا**

آنی که مطرح است عقاید مردم است. این، عقیده است که انسان را می‌کشد به این طرف و آن طرف. آن عقیده بود که حضرت سیدالشهداء را با چند نفر، با چند عدد معدود، کِشانند در مقابل یک امپراتور خبیثی که همه عده و عده را داشت، لکن نه آدم بود، نه ایمان داشت. اینکه سیدالشهداء را کِشانند به آنجا مکتب بود که کِشانند به آنجا؛ اتحاد و عقیده بود که کِشانند به آنجا. و همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان؛ و گشته شد و شکست داد طرف را (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۱۰۹).

**۲/۸. شهادت**

خون شهید رسواگر ظالم و نشانه نزدیک شدن پیروزی مکتب است. «حضرت سیدالشهدا قیام کردند بر ضد یزید... اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازد نشوند... ایشان مطلع بودند بر این مطلب. در عین حال برای همین معنی که بر ضد یک رژیم ظالم قیام کنند، ولو این که کشته بشوند، قیام کردند و کشتند و خودشان

هم کشته شدند». «قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه‌ی یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. بی جهت نیست که درباره‌ی سید شهدای جهان، منقول است که هر چه یاران بزرگوارش از دست می‌رفتند و هر چه ظهر عاشورا نزدیک‌تر می‌شد، رنگ مبارکش افروخته‌تر و ابتهاجش زیاده‌تر می‌شد. هر شهیدی که می‌داد، یک قدم به پیروزی نزدیک‌تر می‌شد. مقصد عقیده است و جهاد در راه آن و پیروزی انقلاب، نه زندگی دنیا و رنگ و بوی ننگین آن. این شهادت هاست که به ملت وعده‌ی پیروزی نهایی می‌دهد. مگر اسلام از شهادت ۷۲ تن برگزیدگان خدا در حکومت جبار بنی‌امیه خسارت دید؟» (همان: ۳۶۷/۱۶-۳۶۸).



تصویر ۳: نگاره شهادت، اثر استاد محمود فرشچیان.

### ۳. دستاوردهای قیام عاشورا

نقش نهضت عاشورا در حفظ اندیشه‌ی اسلامی، نقشی سترگ و بنیادین است که این نکته مورد توجه امام خمینی واقع گردیده است. «اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جان فرسای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند. اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می‌خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید، یادگار عصر تاریک بت‌پرستی، که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لاخبر جاء ولا وحی نزل» بنیاد حکومت الهی را برکند، نمی‌دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می‌آمد. لکن اراده‌ی خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی‌بخش و قرآن هدایت‌افروز را جاوید نگه دارد و با خون شهیدانی چون فرزندان وحی، احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد و حسین بن علی علیه‌السلام آن عصاره‌ی نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیده‌ی خویش و امت معظم پیامبر اکرم علیه‌السلام نماید، تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و رهاوردهای آن پاسداری نماید» (همان: ۱۴ / ۴۰۶-۴۰۷).

حدیث نبوی «حسین منی و انا من حسین» در همین راستا معنی می‌یابد. «پیغمبر هم فرمود که آنا من حسین یعنی دیانت را او نگه می‌دارد. و این فداکاری دیانت اسلام را نگه داشته است، و ما باید نگهش داریم» (همان: ۱۰ / ۱۲۰) اهمیت این دستاورد عاشورا آنگاه که نقشه‌های شوم بنی‌امیه را بشناسیم، بهتر درک می‌شود: «اگر نبود این نهضت، نهضت حسین علیه‌السلام، یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. از اول این‌ها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند.»

«اگر سیدالشهدا نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی کرده بودند. اگر نسیان نشده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی داشتند معرفی می‌کردند. اگر سیدالشهدا نبود، این رژیم طاغوتی را این‌ها تقویت می‌کردند، به جاهلیت برمی‌گرداندند.» این کلمه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» یک کلمه بزرگی است که اشتباهی می‌فهمند. آن‌ها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد. این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد؟ ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد؟ همه زمین‌ها باید آن‌طور باشند. نقش کربلا این بود که سیدالشهدا علیه‌السلام با چند نفر جمعیت و عدد معدود آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار. در مقابل امپراتور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، لکن ظلم را قبول نکردند، و شکست دادند یزید را. همه جا باید این‌طور باشد. همه روز هم باید این‌طور باشد. همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم، و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته، انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه‌ی زمین‌ها باید این نقشه را اجرا کنند و همه روزها غفلت نکنند».

۲) عاشورا، نماد غلبه حق بر باطل «سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آن‌ها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه شد. علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید. عدد، کار پیش نمی‌برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می‌برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ. و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز» (همان، ۵۳، ۱۷).

و نیز: «حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد و کشته شد، اما پیروزی نهایی را داشتند آن‌ها. مکتبشان شکست نخورد، با کشته دادن، دشمنان را عقب زدند. معاویه و بساط معاویه را که می‌خواست اسلام را به صورت یک امپراتوری درآورد و برگرداند به زمان جاهلیت، ... شکست دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آن‌هاست تا ابد، لعن خدا هم بر آن‌هاست».

«با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ بر جبهه‌ی ستمکاران و حکومت‌های شیطنانی زد، ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ،



راه پیروزی بر سرنیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره‌کرده آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان و حق‌گویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید» (همان: ۵ / ۷۵).

این کلمه «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءَ» یک کلمه بزرگی است که [بعضی‌ها] اشتباهی می‌فهمند. آنها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد! لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد، ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد، همه زمین‌ها باید آن‌طور باشند. نقش کربلا این بود که سیدالشهداء- سلام الله علیه- با چند نفر جمعیت و عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار. در مقابل امپراتور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، لکن ظلم را قبول نکردند، و شکست دادند یزید را. همه‌جا باید این‌طور باشد. همه روز هم باید این‌طور باشد. همه روز، باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین‌جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمین‌ها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند. تکلیف همگانی، مقابله با ستم [است]. ملت‌ها باید غفلت نکنند از اینکه همیشه باید مقابل ظلم باشند (صحیفه امام: ۱۳۶۸: ۱۰/۱۲۳).

سیدالشهداء ... قوایی نداشت در مقابل آن قوه [یزید. ولی] باشد قیام کرد، مخالفت کرد، چه کرد، تا کشته شد... او «مُسْلِم» را [به کوفه] فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت، تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ [و] این حکومت فاسد [یزید] را از بین ببرد.

سیدالشهداء- سلام الله علیه- وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که یک حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می‌تواند؛ با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. لکن تکلیف این‌طور می‌دانست که باید قیام بکند و خونس را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این عَلم یزید را بخواباند و همین‌طور هم کرد و تمام شد. خونس را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد... برای اسلام. مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم؟... سیره انبیا همین بوده است که اگر چنانچه یک سلطانی جائر بر مردم حکومت می‌خواهد بکند بایستید در مقابلش، و به هر چه، به هر جا می‌خواهد منتهی بشود، باید برویم سراغش و نهی از منکرش و امر به معروفش کنیم و بکشیم او را پایین از این تخت باطل (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۴ / ۱۵۲).

۴) تشکیل حکومت اسلامی «یکی از هدف‌های برجسته و والای نهضت حسینی متوجه ساختن توده مسلمان به تشکیل حکومت اسلامی است. شما یک قدری به فکر باشید، یک قدر توجه داشته باشید، هی ننشینید تکلیف شرعی برای خودتان درست کنید؛ کارتنبل‌ها! تکلیف شرعی‌ام این نیست. شما قوه‌تان بیشتر از قوای سیدالشهداء است. قوایی

نداشت در مقابل آن قوه [اولی] پا شد قیام کرد، مخالفت کرد، تا کشته شد. آن هم می‌توانست اگر تنبل بود - نعوذ بالله - می‌توانست بگوید که تکلیف شرعی من این نیست. از خدا می‌خواستند آن‌ها که سیدالشهداء ساکت باشد و آنها به خر سواری خودشان سوار باشند، از قیام او می‌ترسند. او مسلم را فرستاده که مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد، این حکومت فاسد را از بین ببرد... با این طاغوت‌ها باید چه بکنیم؟ باید همان طوری که سیدالشهدا علیه‌السلام تمام حیثیت خودش، جان خودش و بچه‌هایش را، همه چیزش را [فدا کرد]، در صورتی که می‌دانست قضیه این طور می‌شود [عمل کرد]. کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون، حرف‌های ایشان را می‌شنود... می‌بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می‌کند (همان، ج ۲/ ۳۷۳). ...آمده بود، حکومت هم می‌خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آن‌هایی که خیال می‌کنند سیدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر، این‌ها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دستِ مثل سیدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند باشد، اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. «سیدالشهدا خونس را برای کی داد؟ حکومت می‌خواست؟ استقلال می‌خواست؟ آزادی می‌خواست؟ او خدا را می‌خواست، او اسلام را می‌خواست، او می‌خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا کند» (همان: ۳۶۱/۷). «قضیه قیام سیدالشهدا و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، ... این نیست که بخواهند یک مملکت را بگیرند. همه‌ی عالم پیش آن‌ها هیچ است... آن‌ها کشورگشایی‌شان برای این است که انسان‌درست کنند» (همان، ۳۳۵/۸). «زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب علیه‌السلام، زندگی همه انبیا... از آدم تا حالا همه‌شان این معنی بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند».

#### ۴. القائنات دشمن و ضرورت استمرار مجالس عزاداری

این مطلبی که الان القا کرده‌اند به جوان‌های ما که تا کی گریه و تا با روضه و این‌ها؟!... اینها نمی‌فهمند روضه چیست؛ ... این‌ها نمی‌فهمند که این روضه و این گریه آدم‌ساز است؛ انسان درست می‌کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهداء این آن تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است. [او] بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد... پیغمبر هم فرمود که **أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ**، یعنی دیانت را او نگه می‌دارد، و این فداکاری دیانت اسلام را نگه داشته است، و ما باید نگهش داریم.

این جوان‌ها توجه ندارند، البته یک دسته‌اند [که] تزریق به اینها شده از [طرف] اشخاصی که می‌خواهند نباشد این اساس، می‌خواهند روضه را از بین ببرند... این‌ها نمی‌دانند که روضه‌خوانی است که عواطف مردم را هم‌چو تهییج می‌کند که برای همه‌چیز حاضرند. وقتی مردم دیدند که سیدالشهداء جوان‌هایش را آن طور قطعه‌قطعه کردند و آن طور جوان‌های خودش را داد، برای مردم آسان می‌شود که جوان بدهند. و با این حس شهادت‌دوستی این معنی را ملت ما پیش برد. و رمز همین معنایی بود که از کربلا منعکس شد به همه جهاتی که ما داشتیم، به همه ملت ما؛ و همه آرزوی شهادت می‌کردند؛ همان شهادتی که سیدش سیدالشهداء بود (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۱۲۱).

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوان‌های ما خیال نکنند که مسئله، مسئله «ملت‌گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت‌گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند؛ [او به این منظور] قیام کرده‌اند. اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرسوها! بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرام‌های انحرافی می‌خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند. و اینها می‌بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصایب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری [مظلومان را] مقابل ظالم قرار می‌دهد... اینهایی که تزریق می‌کنند به شما «ملت‌گریه»، «ملت‌گریه»، اینها خیانت می‌کنند. بزرگ‌هایشان و ارباب‌هایشان از این گریه‌ها می‌ترسند؛ ... جوان‌های ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می‌کنند می‌روند توی مجلس اگر صحبت عزا بشود، می‌گویند نه، این را نگو. غلط است این حرف، باید این را بگوید، باید این ظلم‌ها را بگوید، تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت؛ و باید هر روز این کار بشود. این جنبه سیاسی دارد؛ جنبه اجتماعی دارد (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۱۴-۳۱۶).

## ۵. فلسفه عزاداری در راستای فلسفه عزاداری حسینی

امام به نکات ریز و درخور تأملی توجه می‌نمایند و جامعه را به آن‌ها توجه می‌دهند که بخشی از آن نکات را یاد آور می‌شویم.

الف - بسیج مردم برای حفظ اسلام «شما هم که دارید نوحه خوانی می‌کنید، حرف می‌زنید، خطبه می‌خوانید، نوحه می‌خوانید، مردم را به گریه وادار می‌کنید، مردم هم که گریه می‌کنند، همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می‌خواهیم با همین هیاهو حفظ کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه‌خوانی با این شعرخوانی، با این نثر خوانی، ما می‌خواهیم این مکتب را حفظ کنیم. «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است» (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۳۳۰/۱۵).

«این خون سیدالشهدا است که خون همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند.» «روضه است که این محراب، که این منبر، را حفظ کرده است. اگر آن روضه نبود این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود، آن حفظ کرده. ما باید بر شهیدمان گریه کنیم، فریاد کنیم، مردم را بیدار کنیم. «این مطلبی که الان القا کرده‌اند به جوان‌های ما که تا کی گریه و تا کی روضه و این‌ها؟! بیایید ظاهر کنیم. این‌ها نمی‌فهمند روضه چیست؟ و این اساسی [را] کی تا حالا نگه داشته است، این را نمی‌فهمند و نمی‌شود هم بهشان بفهمانیم. این‌ها نمی‌فهمند که این روضه و این گریه آدم ساز است، انسان درست می‌کند. این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهدا، این تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است. بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد» (همان، ۱۰/۱۲۰).

برپایی مجالس سیدالشهدا مکتب عاشورا را همواره زنده نگه می‌دارد. «روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه. نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها حفظ کرده است این مکتب را. الان هزار و چهارصد سال است که این گریه‌ها و این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه زنی‌ها ما را حفظ کرده‌اند، تا حالا آورده‌اند «امام حسین با عده‌ی کم همه چیز را فدای اسلام کرد، مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و نه گفت، هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد» (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۱۵).

«سیدالشهدا علیه‌السلام وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری، در بین مردم دارد حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند؛ هر قدر که می‌تواند، با چند نفر، با چندین نفر، که در مقابل آن لشکر و بساط، هیچ نبود. لکن تکلیف این طوری می‌دانست که باید قیام بکند و خونش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد» (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۴/۱۵۱).

«آن‌ها، امام حسین علیه‌السلام و یارانش، می‌فهمیدند برای چه آمده‌اند. آگاه بودند که ما آمده‌ایم ادای وظیفه خدایی را بکنیم، آمده‌ایم اسلام را حفظ بکنیم». تنها کسانی از عهده‌ی مسؤولیت‌های خطیر بر می‌آیند که از امتحان الهی سربلند بیرون آمده باشند. «پیغمبرهای بزرگ، اولیای بزرگ امتحان شدند. حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام امتحان شد. اولاد او هم امتحان شدند و همه‌ی ماها هم امتحان می‌شویم» (همان، ۱۳: ۴۵۵).

در راستای نگاه بلندی که امام خمینی، به مسئله عاشورا دارند، بخشی از آراء خودشان را معطوف به مسأله‌ی آسیب‌شناسی نهضت عاشورا نموده‌اند که در ادامه بخشی از آن را تبیین می‌کنیم. الف - یک بُعدی نگری یکی از خطرات فراروی نهضت عاشورا، یک بُعدی نگری به آن است که خطری عمده در سر راه نگرش به قیام عاشورا شمرده می‌شود. «البته یک مطلبی هم که باید بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه‌اش قضیه‌ی این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم، قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شد، نه این که رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند...

توصیه به عزاداری و حفظ شعائر و آرمان‌های عاشورا «آن روضه‌های سنتی را سرجای خودش نگه دارید و آن مصیبت‌ها را نگه دارید زنده، که برکاتی که به ما می‌رسد از آن‌هاست، و از کربلا این برکات به ما می‌رسد. کربلا را زنده نگه دارید، نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید، که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می‌شود» (صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۱۱۷/۴۹۹). «و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه‌ی اطهار و به ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی‌عبداالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه‌الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه (علیهم‌السلام) برای بزرگ داشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر



ستم‌گران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت‌ها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه - لعنة الله عليهم - با آنکه منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستم‌گران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است (همان، ۲۱/ ۴۰۰). عبرت‌های عاشورا امام خمینی قدس سره که با بهره‌گیری از درس‌های عاشورا بزرگ‌ترین انقلاب عصر را به‌وجود آورد. برای حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی عبرت‌های عاشورا را یادآور می‌شود: «من خوف این را دارم - که خدای نخواسته - ملت ما یک وقت بیدار بشود که روحانیت کنار رفته است و سلطه اجانب بر این مملکت باز گشته است و آن وقت تأسف‌ها فایده نداشت [باشد] همان‌طور که در زمان امام حسین علیه‌السلام آن‌طور درست کرده بودند چهره پسر پیغمبر را، که مردم کوفه‌ای که پدر او را دیده بودند، مجاهدات او را دیده بودند، همین مردم کوفه برای کشتن پسر پیغمبر مسابقه می‌کردند و مردم کوفه یک وقت متوجه شدند که امام حسین علیه‌السلام دیگر نبود» (صحیفه امام، ۱۵/ ۳۶۷).

### نتیجه‌گیری

امام خمینی (رحمة الله) نیز در موارد متعدد، از هدف الهی امام در این نهضت - یعنی رضا و خوشنودی خداوند - با تعبیرهای گوناگون یاد می‌کند. از نظر ایشان اهداف نهایی نهضت امام حسین (علیه‌السلام) عبارت‌اند از: حفظ اسلام، قیام برای خدا، اقامه نماز، رضایت الهی و اقامه حق و عدل.

امام در این نهضت، هدفی جز خدا در نظر نداشت و اگر اهداف دیگری نیز در کار بودند همه برای دست‌یابی و رسیدن به این هدف مقدس بودند. به‌خاطر همین هدف اساسی و جاودانه امام است که تمامی رفتارها و کردارهای امام جاودانه مانده است؛ یعنی پیامش جهانی، آرمان‌هایش زنده، مصیبت‌جانگدازش همیشه داغ، مجالس ذکر مصیبتش همواره گرم، و محبوبیت خدادادی‌اش روزافزون است و دشمنانش ذلیل، خوار و گرفتار ننگ ابدی و عذاب بی‌پایان اخروی‌اند.

نتیجه‌ای که از این نوشتار به‌دست می‌آید این است که داشتن هدف برای موفقیت هر فرد و سازمانی بسیار مؤثر است. نهضت امام حسین (علیه‌السلام) نیز به‌عنوان یک گروه تشکیلاتی و سازمان‌دهی شده دارای اهدافی بوده که عبارتند از: احیای اصل «امر به معروف و نهی از منکر»، «اصلاح اجتماعی، بدعت‌زدایی، تشکیل حکومت اسلامی و رضایت الهی». آنچه در این نوشتار به آن پرداخته شد، این بود که اهداف مزبور از نظر ارزش و همچنین از نظر دوره زمانی در یک سطح قرار ندارند، بلکه اهداف موردنظر امام دارای ارزش متفاوتند که هرکدام از آن‌ها براساس ارزشی که امام برای آن‌ها قائل است، در یک دوره زمانی مشخص به اجرا درخواهند آمد. آنچه یادآوری مجدد آن لازم است اینکه این اهداف در طول همدیگر قرار دارند و تحقق هر یک زمینه‌ساز تحقق اهداف دیگر است. تا آنکه به هدف نهایی - یعنی رضایت و خوشنودی خداوند بزرگ - برسد که این هدف، هدف ذاتی است که خود آن برای امام ارزش ذاتی دارد و در واقع، امام برای رسیدن به مرحله رضایت الهی قیام کرد: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي) (فجر: ۲۷-۳۰) تو ای روح آرام یافته، به سوی پروردگارت بازگرد، درحالی که هم تو از او خوشنودی و هم او از تو خوشنود است. پس در سلک بندگانم در آی و در بهشتم وارد شود.

## فهرست منابع

## قرآن کریم

آل یاسین، شیخ رازی. (۱۳۶۵). صلح امام حسن (ع)، پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، ج ۱۱.

امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۴). کتاب ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

عاملی، شیخ حر. (بی‌تا). وسائل الشیعه، جلد ۱۶، قم: نور.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲). فرهنگ عاشورایی، جلد ۸، تهران: سازمان و انتشارات چاپ.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۸). بحارالانوار، ۱۳۶۸: ج ۴۴، تهران: اسلامی.

نجمی، محمدصادق. (۱۴۰۰). سخنان امام حسین (ص) از مدینه تا کربلا، جلد ۷، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

طبری، محمدجریر. (۱۳۹۴). تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، جلد ۷، تهران: اساطیر.

امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸). صحیفه نور، ۲۲ جلد. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی (رحمة‌الله) و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، مؤسسه تنظیم و نشر.